

«ستاره خراسان در آسمان بخارا»
تحلیلی کوتاه از زندگی و شعر ناصر بخارایی

پژوهش و نگارش: عباس فاتحی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، آموزش و پرورش استان یزد، مراکز آموزش عالی شهرستان ابرکوه

missed.bahar@gmail.com

هرگاه دفتر ایام ایران بزرگ و خراسان کهن را از آغاز تا امروز ورق می‌زنیم به نام‌هایی برمی‌خوریم که همگی اصحاب قلم و ارباب معرفت بوده‌اند. بی‌شک معرفی عمیق این شخصیت‌های شناخته و ناشناخته، بر غنای تاریخ ادبیات ایران خواهد افزود و با رشته‌ای نامرئی میان فارسی‌زبانان سراسر جهان پیوند قلبی، عاطفی و زبانی بی‌نظیری برقرار خواهد کرد. ناصر بخارایی از چهره‌های ناشناخته خراسان کهن و قلمرو ماورالنهر در میان شاعران، سخنوران، عارفان و ادیبان زبان فارسی در قرن هشتم است. دیوان او شامل غزل، قصیده، ترجیع و ترکیب‌بند، قطعه، مسمط، مثنوی، دوبیتی و رباعی می‌شود که با تصحیح دکتر مهدی درخشان در سال ۱۳۵۳ به چاپ رسیده است. ناصر بخارایی اگر چه تعدادی قصیده دارد، شاعری غزل‌سرا است. در قصیده‌سرایی به انوری، ظهیر، سلمان ساوجی و ... نظر دارد و علاوه بر مدح، مضامینی چون تحمید خداوند، نعمت ائمه اطهار^(س)، تفاخر، پند و اندرز و ... را در قصاید آورده است. غزل را به شیوه شاعران قرن هشتم سروده که از لحاظ وزن و مضمون، متنوع و عمده‌ترین درون‌مایه آن عشق و عرفان است. به‌طور کلی احوال روزگار، غربت و آوارگی، انتقاد از تصوف، عشق و عرفان، مسائل اخلاقی و اجتماعی و ... در شعر او منعکس شده است. اشاره به آیات قرآن کریم، احادیث، اساطیر و استفاده از اصطلاحات موسیقی، نجوم، ریاضی و ... از پشتوانه علمی - فرهنگی نسبتاً غنی او حکایت می‌کند. میان اشعار حافظ شیرازی و ناصر بخارایی مشابهت زیادی در وزن، قافیه، ردیف، مضمون، ترکیب‌سازی و ... به چشم می‌خورد که می‌توان از تشابه اشعار این دو در زمینه‌های مختلف شعری سخن گفت و از زوایای مختلف به این مبحث پرداخت.